



عبادت و راز و نیاز عاشقانه در تعالیم اسلامی

محمد جواد دکامی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

چکیده

هریک از بندگان خدا از عبادت و راز و نیاز با حضرت باری تعالی هدفی دارند و چنین نیست که انگیزه همه آنها یکسان باشد. با توجه به مراتب معرفت و شعور انسان‌ها انگیزه آنها از عبادت متفاوت است. گروهی خدا را به خاطر ترس از عذاب و عقوبت پرستش می‌کنند، این گروه کسانی هستند که غلبه قوه غضبیه در آنها بیشتر از سایر قواست. گروهی دیگر خدا را به خاطر دستیابی به نعمت‌های بهشت عبادت می‌کنند، غلبه قوه شهویه در این گروه بیشتر از سایر قواست، اما گروهی که از قیدوبند قوای غضبیه و شهویه آزاد شده‌اند، خدا را به خاطر شکرگزاری و عشق عبادت می‌کنند. این عبادت، کامل‌ترین نوع عبادت است و عبادت آزادگان نامیده می‌شود، از لحاظ رتبه و درجه، افضل از همه عبادات است. البته چنین نیست که عبادت‌های دسته اول و دوم صحیح نباشند، بلکه چون در برابر خدای متعال صورت می‌گیرد و بر اساس دستور خداست صحیح‌اند؛ هرچند ناقص هستند. بر عبادت و راز و نیاز عاشقانه آثار و نتایجی مترتب است که از آن جمله می‌توان به معرفت و یقین عابد نسبت به معبود، احساس فقر عابد در برابر معبود، لذت‌بخش بودن درد و رنج عبادت برای عاشق، مأیوس نشدن عابد از عبادت و راز و نیاز علی‌رغم عدم استجاب دعا اشاره کرد.

کلید واژه: دعا، عبادت، عشق، شوق، راز و نیاز.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا. (dakami@basu.ac.ir)

۱. مقدمه

انگیزه دعاکنندگان در دعا متفاوت است. برخی از آنها می‌خواهند با دعا کردن به آن چه که ندارند دست پیدا کنند، مثلاً فاقد ثروت و مال هستند، از خدای متعال می‌خواهند که با لطف و عنایت خودش نداشته آنها را به داشته تبدیل کند و نیازمندی‌شان به آن چیز را برطرف کند. برخی دیگر نگران چیزی هستند که احساس می‌کنند ناخوشایندشان است. از پیش آمدن آن چیز برای خود نگران هستند و از خدای متعال مسئلت دارند که آن امر ناخوشایند برایشان پیش نیاید. برخی دیگر نه به خاطر رسیدن به نداشته‌هایشان دعا می‌کنند و نه نگران پیشامدهای ناگوار هستند، بلکه دعایشان بیشتر از باب التذاذ روحی و معنوی است.

امام علی (ع) این سه دسته عابد را این‌گونه توصیف می‌کند: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَكَّ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَكَّ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَكَّ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷)؛ «گروهی خدا را از روی رغبت و میل (به بهشت) پرستش می‌کنند، این عبادت تاجران و بازرگانان است و عده‌ای از روی ترس او را می‌پرستند و این عبادت بردگان است و جمعی دیگر خدا را برای شکر نعمت‌ها و این که شایسته عبادت است می‌پرستند. این عبادت آزادگان است». این حدیث از حضرت امام صادق (ع) با اندکی اختلاف در لفظ نقل شده است؛ به این صورت که عبادت احرار این‌گونه ذکر شده است: «... قوم عبدوا الله عزوجل حباً له فتلك عبادة الاحرار و هي افضل العبادة» (مجلسی، ج ۶۷: ص ۲۳۶).

دلیل این‌که از عبادت دسته سوم با عنوان «عباده الاحرار» یاد شده است، این است که این بندگان خدا خود را از قیدوبند غضب و شهوت آزاد کرده‌اند و هدفشان رسیدن و تقرب به کمال مطلق است. البته این سه دسته عبادت‌کننده، هر یک بر اساس شناختی که از حضرت معبود دارند به عبادت می‌پردازند. کسی که به خاطر ترس از عذاب و برای دفع درد و رنج به عبادت می‌پردازد، غلبه قوه غضبیه در نفس او بیشتر از سایر قوا است؛ زیرا این قوه متوجه دفع درد و رنج و عذاب است، کسی که به خاطر دستیابی به نعمت‌های بهشتی به عبادت می‌پردازد؛ غلبه قوه شهویه در نفس او نسبت به سایر قوا بیشتر است؛ زیرا این قوه متوجه کسب لذت است. اما کسانی که از این دو قوه عبور کند و عقل در نفس او بر سایر قوا غلبه یافته است، خدا را صرفاً از آن جهت عبادت می‌کنند که عاشق او هستند و از او تشکر می‌کنند که باب راز و نیاز و سخن گفتن با خودش را به روی آنها گشوده است.

از آیات قرآن به دست می‌آید که موقف‌های مهم در روز قیامت سه موقف هستند که عبارت‌اند از: آتش دوزخ، بهشت و بهشت رضوان. چنان‌که می‌فرماید: «و في الآخرة عذابٌ شديدٌ و مغفرةٌ من الله و رضوانٌ» (سوره حدید، آیه ۲۰). با توجه به این سه موقف است که شئون کرداری نفس نیز سه تا هستند: خشمی که بدی‌ها را دفع می‌کند، شهوت و میلی که خوشی‌ها را جذب می‌کند و



عقل عملی که شوق کمال تام مجرد را دارد (جوادی آملی، رازهای نماز: ص ۶۵). کسی که به شناخت صحیحی از حضرت باری تعالی نایل شده باشد، خدا را فقط به خاطر خودش عبادت می‌کند و همچون مولای عارفان خدا را این‌گونه می‌خواند: «الهی ما عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكِ وَ لَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷: ص ۱۸۶). «خدایا من تو را به خاطر بیم از کيفرت و یا به خاطر طمع در بهشتت عبادت نمی‌کنم، بلکه تو را شایسته پرستش یافتم، پس تو را عبادت می‌کنم». امام علی (ع) عبادت مبتنی بر عشق خود را که با آن به آرامش ابدی می‌رسد، این‌گونه معرفی می‌کند: «لَكِنِّي أُعْبِدُهُ حُبًّا لَهُ عَزَّوَجَلَّ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ وَهُوَ الْأَمْنُ لِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ وَهُمْ مِنْ قَرَعِ يَوْمِنَا آمِنُونَ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷: ص ۱۸۶)؛ ولی من او را به جهت عشق به آن ذات پاک می‌پرستم و این عبادت بزرگواران است که سبب آرامش و امنیت در روز جزاست، زیرا خدای متعال می‌فرماید: «آنها از وحشت آن روز در امانند».

۲. صحیح بودن هر سه نوع عبادت

این سه نوع عبادت گرچه از نظر ارزش و مرتبه یکسان نیستند، اما چون معبود در همه آنها خداوند متعال است، همگی ارزشمند هستند و برای هر یک از آنها مراتبی از ثواب و پاداش است. کسی که خدا را از روی ترس عبادت می‌کند، غیر خدا را پرستش نمی‌کند ولی چون هنوز از بند غضب رها نشده است، نمی‌داند که باید از معبودش چیزی غیر از نجات یافتن از آتش را طلب کند. همچنین کسی که خدا را به خاطر رسیدن به لذت و نعمت‌های بهشت عبادت می‌کند، چنین نیست که غیر خدا را بپرستد؛ اما چون هنوز از قیدوبند شهود آزاد نشده است، نمی‌فهمد که می‌تواند از حضرت معبود چیزهایی بالاتر از لذات بهشت را طلب کند؛ اما کسی که شوق خشنودی و رضای حق تعالی را دارد، از قیدوبند غضب و شهوت رسته است و می‌فهمد که چه می‌طلبد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، رازهای نماز: ص ۶۶).

راز نام‌گذاری عبادت عاشقانه به عبادت آزادگان این است که خدای متعال به دوستانش کمک می‌کند که آن‌چه غیر اوست را از دل و روح بیرون کنند، چه حب غیر باشد و چه ترس غیر. در دعای عرفه حضرت امام حسین (ع) آمده است: «أَنْتَ الَّذِي أُرِزْتَ الْأَعْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُجَيِّبُوا سِوَاكَ وَ لَمْ يَلْجِئُوا إِلَيَّ غَيْرِكَ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۵: ص ۲۲۶)؛ «تو همان هستی که هر آن‌چه جز خودت است را از دل‌های مؤمنان رانده‌ای، آن‌گونه که جز تو را دوست ندارند و به کسی جز تو پناه نمی‌برند».

چنان‌که گفته شد، مرتبه عبادت و دعا بستگی به میزان معرفت و شناخت انسان دارد. هرچه انسان معرفت و شناختش از حضرت باری تعالی بیشتر باشد، مرتبه و ارزش عبادت او بالاتر است. کسی که خدا با عبادتش از خدای متعال رزق و روزی او را طلب می‌کند شناختش از اسمای باری تعالی بیشتر متوجه رزاقیت اوست، لذا او عبدالرزاق است و به سوی این اسم حرکت می‌کند و



کسی که با عبادتش از خدا قدرت طلب می‌کند، شناختش از اسم قدیر بیشتر از سایر اسما است؛ لذا او عبدالقدیر است و به سوی این اسم در صیوروت است و ... اما کسانی هستند که از اسم‌های عظیم الهی مثل علم، قدرت، رزق و ... گذشته‌اند و به سوی لقاءالله و لقاء الرحمن در حرکت‌اند و صیوروتشان به سوی اسم اعظم پروردگار است، آنها عبدالله و عبدالرحمن هستند که از بزرگ‌ترین و زیباترین اسم‌های خدای سبحان هستند و ... (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۴: ص ۱۰۷).

لازم به یادآوری است که برخی از بزرگان مثل مرحوم شیخ بهایی عبادت برای رسیدن به حور و قصور را صحیح نمی‌دانند، زیرا قصد قربت به حور و قصور را با اخلاص در تعارض می‌دانند، از نظر این بزرگان کسی که قصد خلاصی از جلب منفعت و دفع ضرر از خود را قصد کند دیگر محض رضای خدا عبادت نمی‌کند و او در آن عمل مخلص نخواهد بود (شیخ بهایی، ۱۳۸۷، ص ۵۶۲: حدیث ۳۷). ولی چنان‌که گفته شد، از آن‌جا که عابدان دسته‌های اول و دوم آن‌چه می‌خواهند از حضرت باری تعالی درخواست می‌کنند و از جهتی غنای بالذات ایشان و فضل و رحمت واسعة او به انسان اجازه داده است که از او هم لذات را بخواهد و هم درخواست رهایی از آلام و دردها را داشته باشد و از جهتی جزء قلیل افرادی که از بندگان خالص خدای متعال هستند، کمتر کسی را می‌توان یافت که در عبادتش هیچ نوع طلب منفعت و رهایی از عذاب را طلب نکند و اگر بنا باشد عبادت این افراد پذیرفته نشود، رحمت واسعة پروردگار زیرا سؤال می‌رود و دیگر این‌که اسماءالحسنای الهی که خدا انسان‌ها را دعوت به خواندن آنها کرده است، شامل نعمت بخشی، لذت‌بخشی و رهایی‌بخشی از درد و رنج و عذاب هستند و اگر بنا باشد که هر کس خدا را به خاطر جلب منفعت و ترس از عذاب عبادت می‌کند، عبادتش پذیرفته نباشد، دعوت به کریمه «ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها» بیهوده و نعوذ بالله خلف وعده خواهد بود.

علامه حسن‌زاده آملی (ره) در این خصوص می‌گوید: «آن کس که حق سبحانه را برای رسیدن به بهشت و حورالعین و غلمان و خوردن و آشامیدن واسطه قرار می‌دهد، از جهتی مشمول رحمت است و نباید نسبت به او طعن و اعتراض و ایراد روا داشت؛ زیرا از این بنده خدا بیش از این توقع نیست و پایه فهمش همین قدر است. پس این عابد یا زاهد که در عبادتش چنین چیزهایی را اراده نموده است بلامانع است و خداوند وعده فرموده است و خلف وعده نمی‌کند، نباید سربه‌سر این‌ها گذاشت که چرا مثل عارف فکر نمی‌کنید و غیر حق را می‌طلبید» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳، شرح نمط نهم اشارات و تنبیهات: ص ۱۱۳).



۳. افضلیت عبادت عاشقانه نسبت به سایر عبادات

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرِ أُمِّ عَلَى يُسْرِ» (کلینی ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۸۳).

بهترین مردم کسی است که عاشق عبادت شود، با عبادت دست به گردن شود و آن را از دل دوست دارد و با تن خود انجام دهد و برای آن فارغ شود (به کار دیگر دل مشغول ندارد)؛ چنین شخصی باک ندارد که زندگی دنیایش به سختی گذارد یا به آسانی. فضیلت عبادت عاشقانه از آن جهت است که همراه با معرفت کامل و آزاد شدن از قیدوبند قوای نفسانی است. هرچه معرفت انسان نیز بیشتر باشد، عشق او به حضرت معشوق و در نتیجه راز و نیاز با او بیشتر می‌شود. چنین کسی غایت الغایات زندگی او قرب الی‌الله است و می‌گوید: «قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره انعام، آیه ۱۶۲) تمام راز و نیاز و عبادتش برای خداست. نه طمع بهشت و نه بیم جهنم او را به عبادت وانمی‌دارد و عاشقانه می‌سراید:

حدیث روضه نگویم گل بهشت نبویم جمال حور نجویم دوان به سوی تو باشم. (سعدی)

این معنا از عبادت در مناجات هشتم از مناجات‌های پانزده‌گانه امام سجاد (علیه‌السلام) چنین بیان شده است «فَأَنْتَ لَا غَيْرَكَ مُرَادِي وَ لَكَ لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَ سُهَادِي وَ لِقَاؤُكَ قَرَّةٌ عَيْنِي وَ وَصْلَكَ مُنَى نَفْسِي وَ إِلَيْكَ شَوْقِي وَ فِي مَحَبَّتِكَ وَكَلْبِي وَ إِلَيَّ هَوَاكُ صَبَابَتِي وَ رِضَاكَ بُعْيَتِي... وَ قُرْبِكَ غَايَةُ سُؤْلِي»؛ «تو مراد منی و غیر تو مراد من نیست. شب‌زنده‌داری و بیداری‌ام فقط برای توست نه غیر تو. دیدارت نور چشم من و وصل تو آرزوی من و به سوی تو شوق و اشتیاق من است. در وادی محبت تو سرگشته و در هوای تو دل‌داده‌ام و خشنودیات مقصد و مقصود من... و قرب تو منتهای خواسته من است.»

۴. معرفت و یقین عاشقان الهی مقدمه عبادت و راز و نیاز با خدای متعال

چنان‌که گفته شد نخستین ویژگی کسی که عاشق حق تعالی می‌شود، شناخت و معرفت عمیقی است که نسبت به او پیدا می‌کند. چون عشق بدون شناخت امکان‌پذیر نیست و منظور از این شناخت صرفاً شناخت فطری و ذاتی نیست، زیرا انسان بر اساس این شناخت صرفاً شوق دیدار حضرت خالق را در دل پیدا می‌کند، اما بعد از شناخت بیشتر اوست که شوق، تبدیل به عشق می‌شود. لازم به یادآوری است که حکماً شوق را به طلب مفقود و عشق را به بهجت و رضامندی از درک حضور ذات چیزی تعریف کرده‌اند (ابن‌سینا ۱۳۷۵، ج ۳: ص ۳۶۰)؛ بنابراین بدون شناخت عمیق باری تعالی عشق نسبت به او برای انسان ایجاد نمی‌شود و فقط شوق وصال او را در دل دارد. پس هر مشتاقی از جهتی واجد برخی چیزهاست و از جهتی فاقد برخی چیزهاست. شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا در این خصوص می‌گوید: «فَكُلُّ مُشْتَاقٍ فَانَهُ قَدْ نَالَ شَيْئاً مَا وَ فَاتَهُ شَيْئاً مَا وَ اَمَّا الْعَشَقُ



معنی آخر» (ابن سینا، اشارات و تنبیهات، ترجمه ملک‌شاهی: ص ۴۳۵) «بعد از آن که برای شخص مشتاق ادراک به دست آمد و شوق به عشق تبدیل شد، هر چه شناخت و ادراک شدیدتر باشد، عشق عمیق‌تر می‌شود». «کَلَّمَا كَانَ الْاِدْرَاكُ اَتَمَّ وَ الْمَدْرَكُ اَشَدَّ خَيْرِيَةً كَانَ الْعَشْقُ اَشَدَّ وَ الْاِدْرَاكُ التَّامُّ لَا يَكُونُ اِلَّا مَعَ الْوَصُولِ التَّامِّ» (همان منبع). بعد از آن که انسان واجد عشق شد، آثار و نتایجی چون اطاعت، بندگی، دعا و عبادت در او به وجود می‌آید. عین‌القضات همدانی این مطلب را چنین به نظم درآورده است.

نا دیده هر آنکسی که نام تو شنید
چون حسن و لطافت و جمال تو بدید
دل نامزد تو کرد و مهر تو گزید
جان بر سر دل نهاد و پیش تو کشید.

عین‌القضات همدانی، ۱۳۸۶، ص ۹۸

معرفت اگر به بالاترین حدّ ممکن برسد، منجر به یقین می‌شود. علامه طباطبایی (ره) یقین را به قوت ادراک ذهنی معرفی می‌کند، به طوری که قابل زوال و ضعف نباشد (طباطبائی، ۱۳۸۷ ق، المیزان، ترجمه مصباح، ج ۴: ص ۴۰). اگر انسان به مرتبه‌ای از معرفت و یقین رسید که کمال و جمال حق تعالی را مشاهده نمود و عشق او در تاروپود وجودش ریشه دواند، در برابر او سر تعظیم فرود می‌آورد و به اطاعت و عبادت عاشقانه او رو می‌آورد. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «آن چنان خدا را عبادت کن که گویا او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را مشاهده می‌کند (پاینده، ابوالقاسم، نهج‌الف‌صاحب: ص ۳۶۶). اگر انسان به این درجه از معرفت برسد که در محضر حضرت باری تعالی ایستاده است هدفش از عبادت خود معبود می‌شود نه چیزی دیگر. او از خود عبادت و راز و نیاز با حضرت باری تعالی لذت می‌برد، نه این که عبادت برایش وسیله نیل به لذات دیگری باشد و هرچه درجه ادراک و معرفت بیشتر باشد، لذت او بیشتر می‌شود و بدین ترتیب خود را از غیر خدا بی‌نیاز می‌دانند. حضرت امام حسین (ع) می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۲: حدیث ۱)؛ «ای مردم! خداوند بندگان را آفرید تا او را بشناسند، آن گاه که او را شناختند، پرستش کنند و آن گاه که او را پرستیدند، از پرستش غیر او بی‌نیاز شوند».

۵. احساس فقر نسبت به حضرت معشوق و استغنا از غیر خدا

از جمله آثار عشق به حضرت باری تعالی این است که انسان در برابر او احساس فقر می‌کند، فقری که پیامبر اکرم (ص) آن را افتخار خود می‌داند و می‌فرماید: «الفقرُ فخری و به افتخرُ علی سائرِ الانبیاء» (ری شهری ۱۳۸۵، ج ۹: ص ۱۸۳). یقیناً این فقر، از نوع فقر مادی نیست که در روایات از آن با عنوان مرز اسلام و کفر یاد شده است، بلکه احساس فقر نسبت به غنی مطلق و اعتقاد قلبی به معنای این آیه شریفه است که «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (سوره



فاطر، آیه ۱۵)؛ «ای مردم! شما همگی نسبت به خدای تعالی فقیر هستید و خداوند بی‌نیاز ستوده است». هرچه این احساس فقر نسبت به حق تعالی بیشتر باشد، احساس بی‌نیازی از غیر خدا نیز بیشتر می‌شود. احساس فقر نسبت به حضرت معشوق تا بدان حد می‌رسد که عاشقان او دیگر خود و خواسته‌های خود را فراموش می‌کنند زیرا می‌دانند که

جمله معشوق است و عاشق پرده‌ای زنده معشوق است و عاشق مرده‌ای

(مثنوی معنوی)

طاووس یمانی می‌گوید: شبی وارد حجر اسماعیل شدم، دیدم حضرت زین‌العابدین در سجده است و کلامی را تکرار می‌کند، گوش کردم، دیدم می‌فرمایند: «الهی عبیدک بفنائک، مسکینک بفنائک، فقیرک فنائک»، فنا در لغت به معنای فضای در خانه است. یعنی بنده تو و مسکین تو و محتاج تو بر درگاه تو منتظر رحمت تو است و چشم عفو و احسان از تو دارد. طاووس می‌گوید آن جملات را حفظ کردم، و پس از آن هرگونه بلا و المی مرا گرفت، در سجده نمازم آن جملات نورانی را گفتم، برایم خلاصی و فرج پیش آمد (منتهی الآمال، ج ۲، باب ششم، فصل سوم: ۸).

از امام صادق (ع) نقل شده است که «لقد دَعَوْتُ اللَّهَ مَرَّةً فَاسْتَجَابَ وَ نَسِيتُ الْحَاجَةَ ، لِأَنَّ اسْتِجَابَتَهُ بِإِقْبَالِهِ عَلَيَّ عِنْدَ دَعْوَتِهِ أَعْظَمُ وَأَجَلُّ مِمَّا يُرِيدُ مِنْهُ الْعَبْدُ وَ لَوْ كَانَتْ الْجَنَّةُ وَ نَعِيمُهَا الْأُبْدِي. وَ لَيْسَ يَعْقِلُ ذَلِكَ إِلَّا الْعَامِلُونَ الْمُحِبِّونَ الْعَارِفُونَ بَعْدَ صَفْوَةِ اللَّهِ وَ خَوَاصَّة» (نوری، ۱۳۶۵، ج ۵، ص: ۲۷۳). «یک بار خدای را خواندم و او پاسخم را داد، من حاجت خود را از یاد بردم؛ زیرا پاسخدهی خدا از روی اقبال او به بنده‌اش در هنگام دعا، بسی بزرگ‌تر و ارزشمندتر است از آنچه بنده از او می‌خواهد، حتی اگر خواسته‌اش بهشت و نعمت‌های جاویدان آن باشد و این معنا را درک نمی‌کنند، مگر برگزیدگان و ممتازان درگاه الهی و بعد از آنان، عمل‌کنندگان به دستورهای الهی و عاشقان حضرت حق تعالی و عارفان».

مطالعه در زندگی اولیاء الهی به خوبی نشان می‌دهد که آنها پس راه‌یابی به محضر حضرت باری تعالی چیزی جز خود او را نمی‌خواهند. سعدی (ره) در گلستان حکایتی نقل می‌کند که تأییدی بر این مطلب است: «یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده بود، وقتی که از این معامله باز آمد یکی از دوستان گفت ازین بستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی؟ گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُر کنم هدیه اصحاب را! چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت (سعدی، گلستان).

عاشقان حضرت باری تعالی به درجه‌ای از معرفت و عشق رسیده‌اند که حاضرند سخت‌ترین عذاب‌ها را به جان بخرند، اما ذره‌ای از محبتشان نسبت به او و حب الهی نسبت به آنها کاسته نشود. بیشترین نگرانی و خوف عاشقان باری تعالی این است که مبادا از آنها روی بگرداند که در آن



صورت گویی تمام هستی خود را از دست داده‌اند و به دامن بلا سپرده شده‌اند. چنان‌که امام عارفان حضرت علی (ع) در دعای کمیل می‌آورد: «یا الهی وربی و سیدی و مولای، لای الامور ایکی آشکو؟! ولما منها اصیح و ابکی؟! لالییم العذاب و شدتیه؟! أم لطلول البلاء و مدتیه؟! فلین صیرتنی للعقوبات مع اعدائک، و جمعت بینی و بین اهل بلائک، و فرقت بینی و بین احبائک و اولیائک، فهبنی - یا الهی و سیدی و مولای و ربی - صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک؟» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷: ص ۱۹۶)؛ «بارالها! پروردگارا! سرور و مولای من! از چه چیز به تو شکایت برم و برای کدامیک از آنها بمویم و بگیریم؟ برای عذاب دردناک و سختی آن؟ یا برای طولانی بودن کیفر (مجازات) و مدت آن؟ پس اگر مرا برای کیفرها در کنار دشمنانت بگذاری و مرا با کیفردیدگانت گردآوری و میان من و اولیا و دوستانت جدایی بیندازی. معبود و سرور و مولای من، گیرم که بر عذابت صبر کنم، چگونه دوری تو را تحمل نمایم. گیرم که بر حرارت دوزخ صبر کنم اما چگونه طاقت بیایم چشم‌بستن از کرمت را». عین القضاة در این خصوص می‌گوید: «دریغا عاشق را بلای سخت‌تر از آن نباشد که از روی که شوق دور افتد و به هجران مبتلا شود و آن‌گاه با ناهلان گرفتار شود، او را دو بلا باشد، یکی فراق معشوق و دیگر دیدن ناهلان» (عین القضاة همدانی: ص ۲۰۳).

راز آرامشی که به مؤمنان ارزانی شده است همین است که احساس می‌کنند حضرت معشوق آنها را پذیرفته است و دوستشان دارد. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (سوره فتح، آیه ۴)؛ «او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا دائماً ایمان و آرامششان فزونی یابد». ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر مؤمنان عاشق حضرت حق تعالی هستند علت خوف و ترسشان از خدای متعال چیست؟ پاسخ این سؤال را می‌توان در آیه ۲ از سوره مبارکه انفال یافت آن‌جا که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَيَّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (سوره انفال، آیه ۲)؛ «مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد؛ و هنگامی که آیات و نشانه‌های او بر آنها خوانده می‌شود، آرامششان فزون‌تر می‌گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند». راز خوف اولیه این است که مؤمنان از این‌که تصور کنند که مبادا حضرت معشوق آنها را تحویل نگیرد هراسناک هستند، اما پس از این‌که نشانه‌های رضایت او را مشاهده می‌کنند، بر امنیت و آرامششان افزوده می‌شود و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

۶. لذت‌بخش بودن درد و رنج عبادت برای عاشقان حق تعالی

چشم‌پوشی کردن از لذات دنیوی و روی آوردن به لذت راز و نیاز و عبادت حضرت محبوب و تحمل کردن زحمت جسمانی و ظاهری عبادات یکی دیگر از نتایج عشق الهی است که در نتیجه معرفت برای بندگانش ایجاد می‌شود. البته این رنج نه تنها دردآور نیست، بلکه لذت‌آور است. شیخ‌الرئیس، ابوعلی سینا مرتبه عاشقان مشتاق را بعد از مرتبه حضرت باری تعالی و مرتبه جواهر قدسی می‌داند.



از نظر او این گروه از آن جهت که عاشقاند، چیزهایی دارند و از آن لذت می‌برند و از آن جهت که مشتاقاند، اصناف آنان را رنج‌هایی خواهد بود و این رنج چون از جانب حضرت باری تعالی است، لذت‌بخش است. (ابن سینا، ۱۳۷۵، اشارات و تنبیهات، شرح ملک‌شاهی: ص ۴۳۵)؛ وقتی که هدف بزرگ باشد، رنج هرچقدر هم که بزرگ باشد باز هم لذت‌بخش است. به قول شیخ بهایی (ره):

ایها القلب الحزین المبتلا	فی طریق العشق انواع البلا
لیکن القلب العشوق الممتحن	لا یبالی بالبلایا و المحن
سهل باشد در ره فقر و فنا	گر رسد تن را تعب، جان را عنا
رنج راحت دان، چو شد مطلب بزرگ	گرد گله، توتیای چشم گرگ
کی بود در راه عشق آسودگی؟	سر به سر درد است و خون آلودگی
تا نسازی بر خود آسایش حرام	کی توانی زد به راه عشق، گام؟

شیخ بهایی، مثنوی نان و حلوا

در دعای عرفه حضرت امام حسین (ع) آمده است: «یا مَنْ اذاقَ أَحِبَّائَهُ حِلَاوَةَ الْمُوَاسَّئَةِ فِقَامُوا مَنْ بَیْنَ یَدَیْهِ مُتَمَلِّقِیْنَ» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵: ۲۲۶)؛ «ای کسی که شیرینی دوستی‌ات را به دوستانت چشاندی تا آن‌جا که برمی‌خیزند و تو را خاکسارانه می‌ستایند و تنها در حضور تو به ثناگویی بر می‌خیزند».

عین القضاة این مطلب را چنین بیان می‌کند: «دریغا، کمال عشق را مقامی باشد از مقامات عشق که اگر دشنام معشوق شنود، او را خوش‌تر از لطف و دیگران آید» (عین القضاة همدانی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۱).

۷. مایوس نشدن دعاکننده از راز و نیاز با وجود عدم استجاب دعا

چنان‌که گفته شد، عابدان عاشق و به تعبیر شیخ‌الرئیس، عاشقان مشتاق، هدفشان از عبادت و راز نیاز، این است که با گفتگو با حضرت باری تعالی میل اصیل لذت‌جویی‌شان ارضا می‌شود و همین برایشان کفایت می‌کند؛ بنابراین اگر احیاناً به مقتضای زندگی دنیایی چیزی از خدا بخواهند و اجابت نشود، دل‌سرد نمی‌شوند، بلکه بر عکس آن را حمل بر این می‌کنند که خدای متعال از راز نیازهای آنها راضی است و اراده کرده است که بیشتر با او به راز و نیاز بپردازند. سعدی در بوستان این مطلب را به شکل زیبایی به نظم درآورده است:

خوشا وقت شوریدگان غمش	اگر زخم بینند و گر مرهمش
گدایانی از پادشاهی نفور	به امیدش اندر گدایی صبور
دمادم شراب الم در کشند	وگر تلخ بینند، دم در کشند



نه تلخ است صبری که بر یاد اوست
اسیرش نخواهد رهایی ز بند

که تلخی شکر باشد از دست دوست
شکارش نجوید خلاص از کمند

(سعدی، بوستان، باب سوم)

امام (ع) خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «... رَبِّمَا أُخْرَتْ غَنَكَ الْإِجَابَةُ، لِيَكُونَ ذَلِكَ أَكْبَرَ الْأَعْظَمِ لِأَجْرِ السَّائِلِ وَ أَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَمِلِ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ گاهی اجابت دعا به تأخیر می‌افتد تا اجر و پاداش درخواست‌کننده بیشتر گردد و عطای آرزومندان را فزون‌تر کند و عاشقان الهی چون نسبت به این مطلب آگاهی دارند، از تأخیر اجابت دعا نه تنها مأیوس نمی‌شوند، بلکه امیدوارتر و خوشحال‌تر می‌شوند. گاهی نیز چون عظمت و فضل و بخشش بی‌نهایت حق تعالی را می‌شناسند، می‌دانند که خدا در آینده نزدیک یا دور بسیار بیشتر از خواسته‌شان را به آنها می‌بخشد.

عاشقان الهی در این‌جا چون گدایانی هستند که افتخارشان گدایی درگاه خانه حضرت دوست است و به امید دیدن روی او در گدایی صبورند. آنان از گدایی، مال و ثروت صاحب‌خانه را نمی‌خواهند، بلکه خود صاحب‌خانه را طلب می‌کنند و البته صاحب‌خانه که صادق الوعد است وعده داده است که هرکس که من را بخواهد حتماً به دست می‌آورد چنان‌که در حدیث قدسی می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي، مَنْ وَجَدَنِي عَرَفَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي عَشَقَنِي وَ مَنْ عَشَقَنِي عَشَقْتُهُ وَ مَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ وَ مَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلِي دِيَّتُهُ وَ مَنْ عَلِي دِيَّتُهُ فَإِنَّا دِيَّتُهُ» (فیض کاشانی، ۱۴۲۳: ص ۳۶۶)؛ «هرکس که مرا طلب کند می‌یابد، آن کس که مرا یافت می‌شناسد، آن کس که دوستم داشت به من عشق می‌ورزد، آن کس که به من عشق ورزد من نیز به او عشق می‌ورزم، آن کس که عاشقش شوم با عشق من کشته می‌شود و آن کس که کشته‌ام شود، خون‌بهایش بر من واجب است و آن کس که خون‌بهایش بر من واجب است، پس من خودم خون‌بهایش هستم».

۸. نتیجه‌گیری

از آن‌چه گفته شد به دست می‌آید که: *موسسه پژوهشی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
۱- انسان‌ها با انگیزه‌های مختلفی به راز و نیاز و عبادت می‌پردازند؛ برخی از آنها خدا را جهت دست‌یابی به نعمت‌های دنیوی یا اخروی عبادت می‌کنند، برخی نیز برای در امان ماندن از عذاب و رنج به عبادت و راز و نیاز با خدای متعال روی می‌آورند، اما برخی خدا را صرفاً از آن جهت عبادت می‌کنند که عاشق او هستند.



- ۱- از آیات نورانی قرآن و احادیث مأثور از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به دست می‌آید که همه این عبادت‌ها دارای ارزش هستند و هر سه دسته عبادت‌کننده پیش خدا مآجورند، زیرا خود خدای متعال انسان را دستور داده است تا از او درخواست کند و او خلف وعده نمی‌کند.
- ۲- عبادت و راز و نیاز مبتنی بر عشق که در روایت از آن به عبادت احرار یاد شده است، افضل عبادات است، زیرا عبادت‌کننده از قیدوبند شهوت و غضب رها شده است و انگیزه او عقل و عشق است.
- ۳- عبادت و راز و نیاز عاشقانه شرایط و آثار خاصی دارد، مانند معرفت و یقین عابد نسبت به معبود، احساس فقر عابد در برابر معبود، لذت‌بخش بودن درد و رنج عبادت برای عاشق، مایوس نشدن عبادت از راز و نیاز با وجود عدم استجاب دعا.

منابع

- قران کریم
- بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی.
- ابن‌سینا. (۱۳۷۵). اشارات و تنبیهاات، ترجمه حسن ملک‌شاهی. تهران: سروش.
- بهایی، محمد ابن حسین. (۱۳۸۷). اربعین، ترجمه خاتون‌آبادی. تهران: نشر حکمت.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۷۶). نهج‌الفصاحه. تهران: جاویدان.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۶). تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). رازهای نماز. قم: انتشارات اسرا.
- حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۸۳). شرح نمط‌نهم/اشارات و تنبیهاات. قم: نشر مطبوعات دینی.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج‌البلاغه. قم: انتشارات صحفی.
- ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۵). میزان‌الحکمه. قم: دارالحدیث.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۵). غزلیات. تهران: انتشارات قدیانی.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۶). گلستان. تهران: انتشارات قدیانی.
- شیخ بهایی، محمد ابن حسین. (۱۳۸۵). نان و حلوا. تهران: نشر آگاهان ایده.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۷). المیزان، ترجمه مصباح. ق: دارالعلم.
- فیض‌کاشانی، محسن. (۱۴۲۳). الحقائق فی محاسن الاخلاق. قم: دارالکتاب الاسلامی،
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۹۱). منتهی‌الامال. قم: نشر دارالتقلین.
- کلینی، محمد ابن یعقوب. (۱۴۰۷). کافی. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحارالانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۳۶۵). مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- همدانی، عین‌القضات. (۱۳۸۶). تمهیدات. تهران: انتشارات منوچهری